

مركز جهتی علوم اسلامی

جمهوری اسلامی ایران - قم - ۱۳۵۸

مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی

نقش دین در اخلاق

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته فقه و معارف اسلامی

گرایش: کلام اسلامی

نگارش: غلام حیدر کوشا

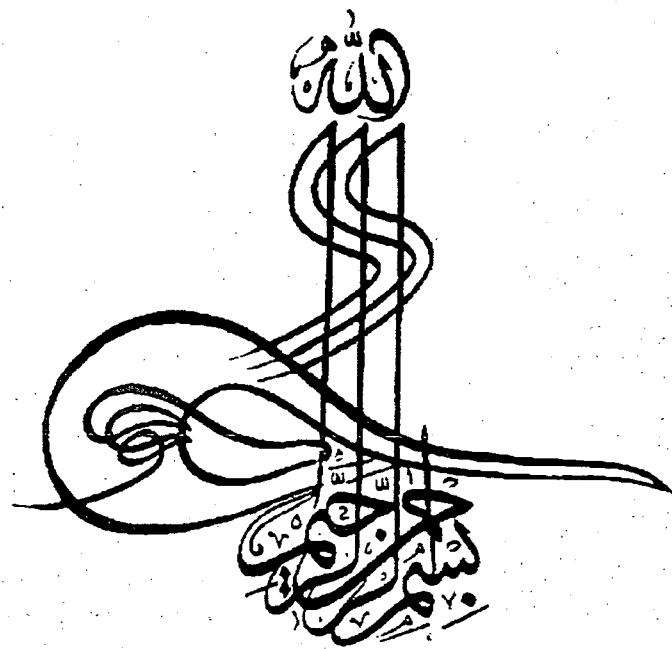
استاد راهنما: حجة الاسلام و المسلمین دکتر عبد الحسین خسرو پناه

استاد مشاور: دکتر امیر خواص

دی ۱۳۸۵

کتابخانه جامع مرکز جهانی علوم اسلامی
شماره ثبت: ۱۲۶۴
تاریخ ثبت:

مطالب مندرج در این پایان نامه به عهده نویسنده می باشد.
هرگونه استفاده از این پایان نامه با ذکر منبع بلاشکال است و نشر آن در داخل کشور منوط
به اخذ مجوز از مرکز جهانی علوم اسلامی است.



تقدیم و اهدا

ای اسوه نیکویی‌ها که برای اتمام مکارم اخلاق انسانها آمدی و برای نجات انسانها معرفت الهی را به ارمغان آوردی، هدیه‌ای بی‌همتا و ماندگار. اینک نجات نیافتگان از آستین شوم شیطانی سربرآورده؛ ناجوانمردانه قصد کاهش منزلت تو را دارند اما غافل از اینکه خداوند خود، حافظ ارزشهای الهی است.

ای پیامبر!

این ناچیز، هدیه به پیشگاه تو.

تقدیر

نخست، خدای را سپاسی که انسانها را قرین اندیشه و قلم آفرید و سیر در آفاق عالم هستی را در او از رهگذر تامل ممکن ساخت.

متعاقبا کمال تشکر و قدردانی دارم از اساتید معظم آقای دکتر حجت الاسلام خسروپناه استاد محترم ~~راهنما~~ و آقای حجت الاسلام خواص استاد محترم مشاور، که با گشاده رویی بنده را گام به گام در این تحقیق کمک نمودند و با راهنمایی‌های ارزشمند خودشان این نوشته را آراستند. حقیقتا برخورد مهر آمیز آن اساتید عزیز هنگام مراجعه‌های همیشگی و نابهنگام بنده، بهره‌گرانهای دیگری بود که هم آموزنده بود و هم باعث تقویت روحی‌ام درطول تحقیق می‌گردید.

نهایتا شایسته نیست مدیریت محترم مرکز جهانی و مدیریت محترم مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی را که بسترهای مناسب تحقیق و پژوهش طلاب را در زمینه‌های مختلف مهیا نموده‌اند، از یاد ببریم. لذا ناچیز پاسخ ممکن در توان بنده این است که از هر دو مقام محترم تشکر نمایم.

بدون تردید این تحقیق کاستی‌های فراوانی دارد. همه این کاستی‌ها ناشی از ضعف نگارنده آن است. یقینا توجه و باز مطالعه اهالی فکر و قلم بر غنای آن خواهد افزود.

چکیده

این تحقیق در پی پژوهش کارکردهای دین در حیطه یکی از مسایل بنیادین در زندگی انسان است. مساله ای که هم پایه اصیل حکمت است و هم رکن اساسی معیشت.

نقش دین در عرصه‌ی حقایق و مفاهیم اخلاقی به صورت‌های متفاوتی مطرح شده است. هستی‌بخشی اخلاقی بر مبنای «نظریه اراده گروهی الهی» بر این باور استوار است که حقایق اخلاقی وجودی غیر از اراده و یا تصویب و تقبیح الهی ندارد. این دیدگاه علی‌رغم نسبییت اخلاق و توجیه ناپذیری رفتار متدینان بر مبنای آن، با ادبیات دینی سازگار نیست؛ زیرا در ادبیات دینی مفاهیم اخلاقی واقعی (غیر اعتباری) و پیشینی شمرده شده است. از سویی اراده گروهی، میان گزاره‌های دینی نیز ناهمخوانی ایجاد می‌کند. دومین نقش دین در حوزه مفاهیم اخلاقی تعریف دینی مفاهیم اخلاقی است. با وسعت نظر در تعریف «تعریف» توسعه قلمرو آن، به گونه‌ای که تعریف به لوازم ذات را نیز شامل شود؛ می‌توان مدعی شد که با توجه به کاربرد مفاهیم اخلاقی به کار رفته در منابع دینی؛ تعریف مفاهیم اخلاقی کاملاً در وسیع دین است. بر طبق کاربرد مفاهیم اخلاقی در منابع دینی «خیر» و «خوبی» چیزهای اند که رضایت خداوند را فراهم سازد.

نقش جزئی دین در باب معرفت اخلاقی قابل طرح است. نقش‌های معرفتی دین در اخلاق به چند صورت قابل اثبات است. اول این که وقتی خوبی و بدی بر محور تناسب افعال اختیاری انسان با اهداف شکل می‌گیرد، بیان احکام حاکی از خوبی و بدی در صورتی برای انسان میسر است که عقل انسان بتواند هم سازوکار رفتار انسان و هم اهداف را درک نماید؛ لیکن چنین کاری در توان عقل انسان نیست. یکی دیگر از نقش‌های دین در اخلاق، توجیه و ارایه معیار و همچنین جاودانگی اخلاق است. دین مقدمات قیاس توجیهی اخلاق را ارایه نموده و با آموزه‌های خود رفتار اخلاقی را توجیه پذیر می‌سازد. خدای ادیان به عنوان ناظر آرمانی در اخلاق نیز نقش توجیهی دین را محرز می‌سازد. همچنین دین رضایت و قرب خداوند را معیار دینی اخلاق ذکر نموده و جاودانگی اخلاق را با بیانهای ماندگار خود و آثار و نتایج خرومی رفتار قابل دفاع می‌سازد.

انگیزش و ضمانت اجرای دینی یکی دیگر از عرصه‌های نقش دین در اخلاق است. اعتقاد به خداوند و قیمت و حسابرسی هم در ایجاد انگیزه و هم در تقویت آن موثر است. همچنین با توجه به اجتناب ناپذیری غرایز مختلف در انسان و با توجه به تاثیر پذیری بیشتر انسانها از بازدارنده‌های غیر رسمی؛ اعتقاد به موجود آگاه، عالم و قادر مطلق یعنی خداوند بهترین ضمانت اجرایی ممکن در اخلاق خواهد بود.

فهرست مطالب

۱.....	مقدمه
۲.....	فصل اول: مفاهیم اساسی و پیش فرضهای بحث
۴.....	مفاهیم اساسی
۴.....	(۱) دین
۴.....	(۱.۱) تبیین جامعه شناختی دین
۶.....	(۲.۱) تبیین روانشناختی دین
۸.....	(۱.۲) تبیین فلسفی - کلامی دین
۹.....	بررسی و تعریف مختار
۱۰.....	(۲) اخلاق
۱۰.....	(۲.۱) تعریف اخلاق
۱۱.....	(۲.۲) علم اخلاق
۱۱.....	(۲.۳) فلسفه اخلاق
۱۱.....	(۲.۴) اخلاق هنجاری
۱۱.....	(۲.۵) اخلاق توصیفی
۱۲.....	(۳) نقش
۱۲.....	پیش فرضهای بحث
۱۲.....	(۱) فلسفی بودن مفاهیم اخلاقی
۱۴.....	(۲) واقع گرایی گزاره های اخلاقی
۱۴.....	(۲.۱) شناخت گرایی
۱۵.....	(۲.۲) ناشناخت گرایی
۱۵.....	گزاره های اخلاقی گزاره های واقعی است
۱۶.....	۳. تعامل دین و اخلاق
۱۷.....	خلاصه و نتیجه گیری
۱۹.....	فصل دوم: نقش دین در هستی بخشی حقایق اخلاقی
۲۰.....	مقدمه
۲۰.....	دین و حقایق اخلاقی
۲۰.....	هستی شناسی دینی حقایق اخلاقی

۲۱	(۱) اراده گروی
۲۳	(۲) اراده گروی تعدیل یافته
۲۴	بررسی دیدگاه اراده گرایی
۲۵	اراده گروی در ادبیات دینی
۲۵	(۱) واقع گرایی مفاهیم اخلاقی در متون دینی
۲۶	(۲) ناهمخوانی گزاره‌های دینی با اراده گروی
۲۶	(۳) پیشینی بودن مفاهیم اخلاقی در ادبیات دینی
۲۸	خلاصه و نتیجه گیری
۳۰	فصل سوم: نقش دین در تعریف مفاهیم اخلاقی
۳۱	مقدمه
۳۱	تعریف مفاهیم اخلاقی
۳۱	(۱) رویکرد تعریف ناگرایانه
۳۳	(۲) رویکرد تعریف گرایانه
۳۳	تعریف پذیری مفاهیم اخلاقی
۳۴	گونه‌های تعریف
۳۵	مفاهیم اخلاقی در گفتارهای دینی
۳۶	۱) خیر
۳۶	(۱،۱) اطاعت از خداوند
۳۷	(۱،۲) تقوی و پرهیزکاری
۳۷	(۲) بر
۳۷	(۲،۱) ایمان
۳۸	(۲،۲) رضایت و قرب خداوند
۳۸	۳. صالح
۳۹	(۳،۱) عمل صالح و ایمان
۳۹	(۳،۲) صالح به معنای توحید
۴۰	(۳) حُسن
۴۰	(۴) معروف
۴۰	تعریف دینی مفاهیم اخلاقی
۴۱	مفاهیم موضوعی

۴۱.....	مفاهیمی اخلاقی در ناحیهٔ محمول
۴۴.....	نتیجه گیری فصل سوم
۴۵.....	فصل چهارم: نقش معرفتی دین
۴۶.....	معرفت اخلاقی
۴۶.....	(۱) رویکرد انحصارگرایی
۴۷.....	انحصارگرایی و مسألهٔ همپوشی احکام اخلاقی، دینی و اجتماعی
۴۹.....	نقد و بررسی دیدگاه انحصارگرایی
۴۹.....	(۲) رویکرد تعادل یافته در باب معرفت اخلاقی
۵۰.....	معرفت اخلاقی از منظر دین
۵۱.....	نقش‌های معرفتی دین
۵۱.....	(۱) تبیین خوبی و بدی و بیان احکام اخلاقی
۵۲.....	(۲) تعیین هدف ارزشهای اخلاقی
۵۲.....	(۳) بیان معیارهای اخلاقی
۵۳.....	خلاصه و نتیجه گیری
۵۵.....	فصل پنجم: نقش دین در تثبیت پایگاه های اخلاقی
۵۶.....	مقدمه
۵۶.....	(۱) توجیه اخلاقی
۵۶.....	(۱،۱) الگوهای توجیه احکام اخلاقی
۵۷.....	(۱،۱،۱) شیوه خردگرایی
۵۸.....	(۱،۱،۲) شیوه تجربه گرایی
۶۱.....	(۱،۲) بررسی رویکردهای توجیه
۶۳.....	(۱،۳) نظریه مختار
۶۳.....	(۱،۴) نقش‌های دین در توجیه اخلاق
۶۴.....	(۱،۴،۱) نقش دین در ارایه مقدمات برهان توجیهی
۶۴.....	(۱،۴،۲) دین تامین کننده سعادت افراد
۶۵.....	(۱،۴،۳) دین و ناظر آرمانی در توجیه
۶۶.....	(۲) ارایه معیار اخلاقی
۶۶.....	(۲،۱) دیدگاه ها در مورد معیار حکم
۶۷.....	(۲،۲) معیار دینی احکام اخلاقی

۲۷ امر و نهی الهی به عنوان معیار در اخلاق
۲۹ قرب به خداوند معیار نهایی برای ارزشهای اخلاقی
۶۹ خلاصه و نتیجه گیری
۷۱ فصل ششم: دین و جاودانگی اخلاق
۷۲ مقدمه
۷۲ اصل اخلاقی
۷۲ (۱) غیر اصول گرایی
۷۳ (۱،۱) بحران تصمیم گیری در دیدگاه غیر اصول گرایی
۷۴ (۱،۲) اخلاق غیر اصولگرایی و مسأله تعلیم و تربیت
۷۴ (۲) چند گانه گرایی
۷۶ (۳) وحدت گرایی
۷۷ وحدت گرایی چشم اندازی برای اخلاق پایدار
۷۷ وحدت گرایی و مسأله تعارض
۷۷ (۱) راه حل راس
۷۸ (۲) راه حل کانت
۷۸ اندیشه اسلامی و مساله تعارض
۷۹ وحدت گرایی و جاودانگی اخلاق
۷۹ شیوه های تبیین جاودانگی اخلاق
۸۰ دین و جاودانگی اخلاق
۸۲ خلاصه و نتیجه گیری
۸۴ فصل هفتم: نقش انگیزشی دین
۸۵ مقدمه
۸۵ انگیزه
۸۶ انگیزه فعل اخلاقی
۸۶ (۱) دیدگاه درونی گرایی
۸۸ (۲) دیدگاه برونی گرایی
۸۸ (۳) انگیزه از منظر اندیشمندان اسلامی
۹۰ بررسی دیدگاه ها
۹۱ انواع انگیزه های بیرونی

۹۲	۱) انگیزه منفعت شخصی
۹۲	۲) انگیزه احترام به قانون
۹۲	۳) انگیزه دگرخواهانه
۹۳	رویکرد دینی درباب انگیزه
۹۴	انگیزش دینی
۹۵	۱) اعتقادات دینی و انگیزش اخلاقی
۹۶	۲) الگوهای عملی دینی و انگیزش اخلاقی
۹۶	انواع انگیزش های دینی
۹۷	۱) انگیزه طمع به پاداش های اخروی
۹۷۳	۲) انگیزه ترس از کیفرهای اخروی
۹۸	۳) انگیزه عشق به خداوند
۹۸	اخلاقی بودن انگیزه های دینی
۹۹	خلاصه و نتیجه گیری
۱۰۱	فصل هشتم: دین به عنوان ضامن اجرایی اخلاقی
۱۰۲	مقدمه
۱۰۲	ضرورت ضمانت اجرا
۱۰۳	دو نوع ضمانت اجرا
۱۰۴	ضمانت اجرا راهکاری برای تحقق اصول اخلاقی
۱۰۵	ضمانت های درونی و برونی
۱۰۵	ضمانت های دینی
۱۰۶	تبیین ضمانت اجرای دینی
۱۰۶	۱) گزینه یک امر اجتناب ناپذیر در انسان
۱۰۷	۲) انسان همیشه از نظرات های غیر رسمی بیشتر تاثیر می پذیرد
۱۰۸	۳) خدای ادیان عالم مطلق است
۱۰۸	آموزه های دینی بهترین ضمانت اجرایی ممکن
۱۰۹	زندگی اخروی تضمینی برای اخلاق
۱۰۹	الگوهای تضمین دینی
۱۱۱	خلاصه و نتیجه گیری
۱۱۳	نتیجه گیری
۱۱۳	۱. حوزه های مفاهیم و حقایق
۱۱۵	۲. حوزه های معرفت

۳. حوزه‌های توجیه، ارایه معیار و جاوانگی ۱۱۶

۴. حوزه‌های انگیزه و ضمانت اجرا ۱۱۷

منابع و مآخذ ۱۲۰

مقدمه

«دین» و «اخلاق» دو یار دیرینه همپا با زندگی انسان و دو همسفر به درازای عمر بشوند؛ هرگاه انسانی بوده و بشری می‌زیسته باورهای دینی و رفتارهای اخلاقی نیز وجود داشته است. انسانهای اولیه همچنان که رفتار اخلاقی داشته‌اند از باورهای دینی نیز برخوردار بوده‌اند. از این رو سخن از ارتباط و کیفیت تعامل آن دو جذاب و دلپذیر و از طرفی مهم و حیاتی است. با توجه به این ضرورت بایی در مسایل جدید کلامی و فلسفه اخلاق تحت عنوان «دین و اخلاق» و یا «رابطه دین و اخلاق» به روی پژوهشگران باز گشاده شد که در آن تعامل و تعارض و یا همپوشی و همکوشی آن دو مورد بحث قرار می‌گرفت. اهمیت بحث دین و اخلاق توجه نگارنده را جلب کرده و سبب پرداختن به آن در قالب یک تحقیق فراگیر تحت عنوان «نقش دین در اخلاق» در یک فرصت مناسب گردید. البته نباید از یاد برد که مباحث فلسفی در نوع خود مشکل‌اند و بررسی آنها در حیطه اخلاق مشکل‌تر و پرداختن به آنها از چشم‌انداز دین بسی مشکل‌تر و توان‌فرساتر. این گفته بدان دلیل سزاوار بیان است که تا کنون یکی از ضعف‌های اساسی نوشته‌های این چینی چه در باب مباحث فلسفی و چه در محدوده مسایل جدید کلامی و چه در تحقیقات جامعه‌شناختی و روان‌شناختی و علوم تربیتی و نظریه‌های سیاسی و اقتصادی و مدیریتی این است که محتویات دینی در ساختار مباحث جدید امروزی با صبغه غربی مطرح می‌شود؛ که خود گاهی ناگفته‌هایی را بر دین تحمیل می‌کند که حقیقتاً با روح اندیشه ناب دینی ناسازگار است. از سوی دیگر همین مساله سبب فراهم شدن بهانه‌ای برای دور نگه داشتن دین از مسایل مهم امروزی را فراهم کرده است که این مساله نیز در نوبت خود ضایعه‌ای جبران‌ناپذیر در تاریخ تفکر دینی است. گاهی بیانهای دینی آنقدر قدسی و فرازینی پنداشته می‌شود که سخن از نظریه دینی در قلمروهای مختلف مباحث علمی و فرودینی امروزی تهمت ناروا به دین و وصله ناهمخوان بر اندیشه دینی خوانده می‌شود و یا مطرح شدن مباحث جدید از چشم انداز دینی آه از نهاد متدینان زیادی بنفد می‌شود که دین را فرازینی و بسی فراتر و سترگ تر از مسایل فرودینی و مسایل جدید در اندیشه انسانی می‌خوانند.

بنابراین تحقیق مذکور علی‌رغم این که امید می‌رود سهمی در دهکده اندیشه به دوش بکشد، گامی است در جهت شکستن سنت این پندار که نباید در دنیای مباحث جدید سخن دینی زد. نباید به دین چنان نگاه کرد که بشود به راحتی بسیاری از مسایل را از دریچه آن نگریست و به تامل پرداخت و این که نباید در خرمن قدسی و فرازینی دانه فرودینی و این جهانی جست.

این تحقیق در پی پژوهش کارکردهای دین در حیطه یکی از مسایل بنیادین در زندگی انسان است. مساله ای که هم پایه اصیل حکمت است و هم رکن اساسی معیشت. در این تحقیق سعی شده است که «نقش دین در اخلاق» به عنوان مساله اصلی و اساسی تحقیق مورد پژوهش قرار گیرد و اثبات شود که

دین چه نقش‌هایی در محورهای مختلف اخلاقی ایفا می‌کند. و همچنین سوالات زیادی بر محور سوال اصلی از قبیل این که آیا اخلاق ماهیت دینی دارد، آیا دین نقشی در تبیین مفاهیم اخلاقی دارد، آیا می‌توان توجیه دینی برای اخلاق در نظر گرفت، آیا سخن از آموزه‌های دینی به عنوان ضامن اجرایی اخلاقی و به عنوان انگیزش اخلاقی و نیز به عنوان معیار احکام و گزاره‌های اخلاقی قابل دفاع است، آیا با تکیه بر باورهای اخلاقی می‌توان یک اخلاق جاوید و پایدار پایه‌ریزی کرد؛ مورد تامل و دقت قرار گرفته و بایک ساختار نسبتاً جدید در قالب هفت فصل تحلیل و بررسی شده است.

موضوع این تحقیق یکی از مسایل نوین در مباحث فلسفی و کلامی است و پیشینه چندان دور دست ندارد. این بحث هم‌زمان با شکل‌گیری اندیشه نوین غربی و مطرح شدن مباحث جدید کلامی و فلسفی گهگاهی در لابلای بحث «رابطه دین و اخلاق» مطرح شده است؛ که به همین دلیل زمینه بحث رابطه دین و اخلاق و بالتبع نقش دین در اخلاق را در اندیشه اسلامی باید با دومین نهضت ترجمه در دیار اسلامی قرین دانست. البته این بدین معنی نیست که در گذشته هیچ سخنی ناظر بر بحث ما وجود نداشته است، بلکه با اندک تسامح می‌توان گفته‌های مطرح شده در این باب را تا زمان سنت آگوستین (۳۵۴-۴۳۰ م) در تفکر غربی و تا شکل‌گیری اندیشه اشعری در تاریخ تفکر اسلامی ردیابی کرد. آگوستین سخن از انگیزش دینی رفتار اخلاقی به میان می‌آورد و مکتب اشاعره حقایق اخلاقی را همان اراده خداوند برمی‌شمرد؛ اما روشن است که هر دو مورد صرف ادعاهایی است که با تسامح و اغماض نظر می‌توانیم بین آن‌ها و مباحث این تحقیق وفق داد. در هر صورت این بحث یکی از مباحث کاملاً تازه و جدید است لذا می‌توان مدعی شد که حداقل در زبان فارسی تاکنون هیچ نوشته و کتابی با این عنوان و موضوع و ساختار بر مبنای استقرای نگارنده تالیف و یا ترجمه نشده است.

اخلاق سهم زیادی در زندگی انسانها دارد و اصولاً نظام رفتاری افراد و همچنین تعاملات بین افرادی و میان گروهی با اخلاق شکل می‌گیرد با توجه به اهمیت که اخلاق دارد؛ در جوامع امروزی که زمینه‌های دوری از اخلاق انسانی بسیار است، پایه‌ریزی اخلاق بر مبنای آموزه‌های دینی ضرورت چشمگیری می‌یابد.

این تحقیق علی‌رغم سعی زیاد نگارنده از اشکالات زیادی برخوردار است که همه اینها از ضعف نویسنده ناشی می‌شود. از این رو نویسنده با چهره باز پذیرای اشکالات و انتقادات در مورد مباحث این تحقیق می‌باشد و از کسانی که با عنایت به این بحث به نقد و بررسی آن بپردازند کمال تشکر و سپاس را برآز می‌دارد.

فصل اول

مفاهیم اساسی و پیش فرضهای بحث

مفاهیم اساسی

- دین
- اخلاق
- نقش

پیش فرضها

- فلسفی بودن مفاهیم اخلاقی
- واقع گرایی گزاره‌های اخلاقی
- تعامل دین و اخلاق

مفاهیم اساسی

در بررسی موضوع تحقیق "نقش دین در اخلاق" سه مفهوم اساسی و کلیدی وجود دارد که هرگونه تفسیر و تعریف از آنها در طول بحث بر تمام زوایای آن تاثیر می گذارد. لذا سزاوار است که این سه مفهوم به درستی بررسی و تحلیل و مراد از آنها توضیح داده شود. سه مفهوم کلیدی بحث عبارتند از مفهوم «دین»، «اخلاق» و مفهوم «نقش».

(۱) دین

«دین» مفرد ادیان واژه عربی به معنایی «جزاء»، «مکافات»، «عادت»، «انقیاد» و «دین اسلام» آمده است.^۱ این واژه در زبان فارسی از ریشه دثنا گرفته شده که درمانسکریت و بخش های اوستا به معنای مختلف «کیش»، «ملت»، «خصایص روحی»، «وجدان» و «صبغه» به کار رفته است.^۲ واژه دین در آیین زرتشت نام یکی از ایزدان بوده است.^۳ معادل لاتینی واژه دین (religion) به «اعتقاد به یک یا چند خدا و رفتار متناسب با این اعتقاد»^۴ معنا شده است.

معنا و تعریف اصطلاحی «دین» یکی از مشکلات دست و پا گیر در عرصه اندیشه و فرهنگ در تمام ادوار اندیشه بشر به شمار می رفته است. غیر قابل دسترس بودن ابعاد معنوی دین از طرفی و بیشش های متفاوت اندیشمندان از طرف دیگر باعث گردیده است که آرزوی ارایه یک تعریف جامع و مانع از دین که مورد توافق همگان باشد هیچگاه محقق نگردد. به جهت غیر دسترس پذیر بودن ابعاد معنوی دین اندیشمندان بهترین راه مطالعه دین را پرداختن به آن از چشم انداز مسایل مطرح شده در ادیان و فرهنگ دینی دانسته اند و خود اکثرا نیز از همین زاویه مسایل دینی را بحث کرده اند. تمام نظریات در باب مطالعه ماهیت دین را می توان به سه دسته جامعه شناختی، روانشناختی و فلسفی - کلامی تقسیم بندی کرد.

(۱، ۱) تبیین جامعه شناختی دین

یکی از شیوه های مطالعه مسایل دینی؛ مطالعه جامعه شناختی است. در این شیوه آداب، رسوم، باورها و ارزش هایی مورد تحقیق قرار می گیرد که به صورت هنجارهای پذیرفته شده جمعی بروز می کند. در این گونه تحقیقات که بیشتر داده های مردم شناختی استفاده قرار می گیرد، شاخصه های فرهنگی، آموزه

۱. رک. اعلامه بن منظور. «لسان العرب» نشر ادب الحوزه، اول ۱۶۰۵. همچنین رک. الجوهري، اسماعيل ابن حماد. «الصحاح».

بیروت دارالعلم الملايين، چهارم ۱۹۸۷. ذیل واژه «دین»

۲. عنی کبر دهخدا. «لغت نامه»؛ تهران دانشگاه تهران دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۳۷، ذیل واژه «دین»

۳. غلام حسین مصاحب، «دائرة المعارف فارسی»، جلد ۱، ص ۱۰۲۷، تهران تعمیر کبیر، دوم ۱۳۸۰.

ها و ارزش‌های دینی کانون توجه محققین آن محدوده است.

اندیشمندان علوم اجتماعی اغلب دین را از منظر فرهنگی آن به نظاره می‌نشینند. از نظرگاه آنها مسایل دینی چیزی فراتر از مسایل فرهنگی زندگی جمعی انسان‌ها در ادوار مختلف نیست. لذا جیمز فریزر، دورکهایم، پارسونز و گیدنز و اندیشمندان دیگر علوم اجتماعی ماهیت دین را یک مسأله اجتماعی می‌دانند تا یک امر قدسی و فرا بشری.

فریزر در شاهکارش «شاخه زرین» دین را دارای دو عنصر انفکاک ناپذیر می‌داند. یکی نظری و دیگری عملی. یکی اعتقاد مردم به نیروهای فرا تر از انسان و دیگری سعی و تلاش و کوشش دینداران در سازش دادن و راضی نگه داشتن آن نیروها.^۱ با توجه به این دو عنصر اساسی دین را به «تسکین و ترضیه نیروهای فوق بشری که هادی و ناظر و طبیعت حیات بشر انگاشته می‌شود»^۲ تعریف می‌کند.

امیل دورکیم معتقد بود که «پدیده‌های دینی به طور طبیعی به دو مقوله تقسیم می‌شوند؛ باورها و مناسک. باورها از احوال عقیدتی‌اند یعنی به طور اساسی از تصورات تشکیل می‌شوند. دسته دوم [مناسک] وجوه معینی از اعمال مشخص‌اند».^۳ او با توجه به این مسأله که «آدمیان اشیاء را به دو طبقه یا به دو گروه متضاد تقسیم می‌کنند لاهوتی و ناسوتی»^۴ لاهوتی اموری که محرمانی در حمایت از آنها و جدا کردن شان وجود دارد، و ناسوتی اموری که باید حرمت نگهدارند و از امور لاهوتی فاصله بگیرند؛^۵ به تعریف و بیان مشخصه‌های دین می‌پردازد. از دید دورکیم اولین ویژگی مسایل دینی لاهوتی بودن آنها است و دومین ویژگی مسایل دینی این است که آنها علی‌رغم لاهوتی بودن با امور ناسوتی در ارتباط‌اند چندانکه از کل روابط، دستگاهی برخوردار از نوعی وحدت شکل می‌گیرد^۶ و بالاخره این‌که این مسایل معتقدان به خود را بر پایه اعتقادات مشترک شان در یک جامعه به نام کلیسا گرد هم جمع می‌کند.^۷ دورکیم دین را با توجه به این سه خصوصیت، چنین تعریف می‌کند: «عبارت است از نظام یکپارچه از عقاید و اعمال مربوط به اشیای لاهوتی یعنی اشیایی متمایز ممنوع به گونه‌ای که پیروان خود را در یک اجتماع به نام کلیسا جمع می‌کند».^۸

۱ جیمز فریزر، «شاخه زرین»، ترجمه دژم فیروزمند، تهران آگاه، ۱۳۸۲، ص ۱۱۸.

۲ همان

۳ امیل دورکیم، «صور بنیانی حیات دینی» - قریپ‌هام تهران نشر مرکز ۱۳۸۳، ص ۴۸.

۴ همان ص ۴۸

۵ صور بنیانی حیات دینی، ص ۵۴

۶ همان

۷ صور ابتدایی حیات دینی، ص ۵۸

۸ همان ص ۶۳.

بر پایه همین گونه مطالعات، پارسونز دین را به «مجموعه‌ای از باورها و اعمال نهادهایی که به دست انسانها در جوامع مختلف شکل می‌گیرد»^۱ تعریف می‌کند و گیدنز ادیان را «متضمن مجموعه‌ای از نمادهایی می‌داند که احساسات حرمت و خوف را طلب می‌کند و با شعایر و تشریفاتی مانند مراسم کلیسا که توسط اجتماع مومنان انجام می‌شود؛ پیوند دارد»^۲

۱، ۲) تبیین روانشناختی دین

تعداد زیادی از اندیشمندان علاقه‌مندند تا دین و ماهیت مسایل دینی را با توجه به ابعاد شخصیتی انسان مورد پژوهش قرار دهند. از شخصیت‌های معروف و بنام عرصه این نوع مطالعات روانشناسانی چون ویلیام جیمز، زیگموند فروید و کارل گوستاو یونگ؛ گردانندگان اصلی دو مکتب وین و زوریخ در مطالعات روانکاوی هستند.

فروید؛ روانکاو اتریشی و بنیان گذار علم روانکاوی اعتقادات و آموزه‌های دینی را برخاسته از دوگانگی شخصیتی افراد در اوان زندگی بدوی و جمعی می‌داندست. او معتقد بود که رفتار دینی مشابهت‌های فراوانی با روان رنجوری و سواسی دارد. روان و سواسی‌ای که از تقابل گرایش‌های برخاسته از سابق‌های غریزی و ممنوعیت‌های بیرونی ناشی می‌شود.^۳ فروید در تبیین ماهیت آموزه‌های دینی معتقد بود وقتی تناقض و «دو سویه‌گرایی» شخصیتی (که خود فروید آنرا «عقدۀ اودیپ» می‌خواند) در انسان به وجود آمد امیال و کشش‌های درونی او بر اثر «سرکوبی» از سوی ممنوعیت‌های بیرونی در یک عمل روانی به نام «واپس‌رانی» از ضمیر «خود آگاه» افراد به ضمیر «ناخود آگاه» آنها منتقل می‌شود. اما این گرایش‌ها با این واپس‌رانی هیچگاه به خاموشی سپرده نمی‌شوند بلکه در موقعیت‌های حساس به ضمیر خودآگاه حمله می‌کنند. این مساله باعث به وجود آمدن رفتارهای و سواسی روان رنجورانه از جمله رفتارهای دینی می‌شود^۴ و به عبارتی عقاید و بایدها و نبایدهای دینی و «توتم‌ها» و «تابوها» شکل می‌گیرد.^۵ لذا او با توجه به مطالعات روانکاوانه‌ای که بر تعداد زیادی از بیماران روانی

۱ جان هیک، «فلسفۀ دین» ترجمه بهزاد سالکی، تهران الهادی، سوم ۱۳۸۱، ص ۱۷.

۲ آنتونی گیدنز، «جامعه‌شناسی» ترجمه منوچهر صبوری، تهران نشرنی پنجم ۱۳۸۱، ص ۴۹۶.

۳ دانیل پالس، «هفت نظریه در باب دین» ترجمه محمد عزیز بختیاری، قم موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۲.

۴ زیگموند فروید، «توتم و تابو» ترجمه دکتر ایرج باقر پور، تهران آسیا، اول ۱۳۶۶، ص ۵۲.

۵ ر.ک «توتم و تابو»، صص ۵۳-۶۳.

۶ فروید بایک دید بدبینانه به دین؛ منشاء شکل‌گیری آن را کاملاً روانکاوانه تبیین می‌کند و معتقد می‌شود که همان‌گونه که رفتار روان و سواسانه کودکان روان رنجور، ناشی از عقدۀ اودیپی و تعارض‌گونه در کودک است که بر اثر رغبت و میل افراطی جنسی کودک به مادر و ترس از سیطره و استیلای همیشگی پدر به وجود آمده است؛ رفتارهای دینی پرستش‌ها و توبه و قربانی و بایدها و نبایدهای دینی نیز از دو سویه‌گرایی شخصیتی انسانهای ابتدایی نشأت گرفته است. در پگاه زندگی انسانی فرزندان انسان خصوصاً فرزندان پسر به مادر خود میل جنسی شدید یافتند. این میل سرکش مدام فرزندان را به محبت و رزق به مادر فرا می‌خواند اما ←

خود انجام داده بود دین را چنین تعریف می کند که « دین؛ روان رنجوری و سواسی همگانی بشریت است»^۱.

کارل یونگ و جیمز دیدگاه نسبتاً متفاوتی را در مورد دین ابراز کرده اند. یونگ مثل فروید معتقد است که «دین برای بسیاری از افراد بشر یک مسأله شخصیتی است تا یک پدیده اجتماعی»^۲ اما نه در قالب رفتارهای روان رنجورانه و سواسی؛ بلکه از سنخ حالت های ژرف و عالی انسانی^۳. همچنین از دید یونگ دین معلول عقده ها و احساسات دوگانه و افسرانده شده از خود آگاه به ناخود آگاه افراد نیست، بلکه مضامینی است ناشی از یک روحیه کاملاً از خود آگاه که «از یک استعداد تجزیه و تحلیل و قوف به نفس و یا علمی حکایت می کند که منشاء آن نمی تواند جزء خود آگاه باشد ... و معمولاً با کشف و شهود درک می شود»^۴. از دید یونگ دین «به معنی تفکر از روی وجدان و توجه در باره شیئی قدسی و نورانی است؛ نیرویی که انسان را مغلوب می کند؛ به طوری که فرد همواره محکوم آن است تا موجد آن»^۵.

جیمز نیز ماهیت دین را بیشتر احساسات و عواطفی می داند که برای افراد در عالم تنهایی و دور از همه کس روی می دهد. لذا دین را به «احساسات و اعمال و تجربیات هر یک از افراد بشر در خلوت خودشان»^۶ تعریف می کند. از نگاه جیمز پرستش در دین ناشی از احساس وظیفه ای است که از سر عشق و یا الهام از عالم بالا دست می دهد و این حالت در قالب سرور و شادمانی بروز می کند به گونه ای که فرد به وجد می آید؛ تا آنجا که فرد به زانو در آمده به ستایش می پردازد^۷. لذا با توجه به منشاء فوقانی احساسات دینی هرگونه حالت دینی و مذهبی همراه با وقار، سنگینی، وجد، لطف و محبت و ایثار است.^۸

→ پسران وجود پدر را مانعی در برابر خواسته های خود می دیدند؛ از این رو در یک گرد همایی تصمیم گرفتند پدر را بکشند. بعد از کشته شدن پدر پشیمانی ناشی از دو احساس متضاد، عشق به پدر و نفرت از او به همه دست داد. لذا فرزندان به خاطر رهایی از این دوگانگی نماد هایی را به عنوان نماد پدر در نظر گرفتند و محدودیت هایی برای آنها قایل شدند و به پرستش آنها پرداختند و ازدواج با خویشاوندان را تحریم کردند. این مسأله آغاز شکل گیری باورها و آموزه های دینی و احکام و دستورات دینی بود. برای اطلاع بیشتر ر.ک. توتنم و تابو صص ۲۳۲-۲۴۰.

۱ دانیل پالس، «هفت نظریه در باب دین» ص ۱۱۹.

۲ کارل گوستاو یونگ، «روانشناسی و دین» ترجمه فواد روحانی، تهران شرکت سهامی کتابهای جیبی، سوم ۱۳۷۰، ص ۲.

۳ روانشناسی و دین، ص ۱۲۰.

۴ روانشناسی و دین، ص ۷۹.

۵ همان ص ۶.

۶ ویلیام جیمز، «دین و روان» ترجمه مهدی قانینی، تهران انتشارات انقلاب اسلامی، دوم ۱۳۷۲، ص ۶.

۷ دین و روان، ص ۸.

۸ دین و روان ص ۱۵.

۲، ۱) تبیین فلسفی - کلامی دین

اخیرا پژوهشگران دینی متوجه شدند که تبیین‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی علی‌رغم این‌که افراد زیادی را به خود علاقه مند کرده اند، از عهده تبیین و تعریف درست دین بر نمی‌آیند؛ زیرا از منظر یک فیلسوف دین و یا یک دین‌شناس، گذشته از این‌که اطلاعات و داده‌هایی که جامعه‌شناسان و روانشناسان در تحقیقات خود به کار می‌گیرند از اعتبار کافی برخوردار نیست؛ تبیین‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی به جای تعریف بیشتر ناظر بر الگوهایی است که به دین منجر شده‌اند. از این‌رو تعدادی از اندیشمندان بر آن شده‌اند تا برای دین تعریف فلسفی و کلامی ارایه دهند. در تعریف‌های فلسفی و کلامی ویژگی‌هایی برای دین اصیل پنداشته می‌شود که یا خود دین آنها را بیان کرده باشد و یا با براهین فلسفی اثبات شده باشند. تبیین‌ها و تعریف‌های فلسفی - کلامی اغلب بریک جهان بینی دینی استوار بوده و از یک الگویی غایت‌شناسانه پیروی می‌کنند. نمونه‌های زیادی می‌توان برای این‌گونه تعاریف ذکر کرد. مثل این تعریف که «دین مجموعه‌ای از اعتقادات، اعمال و احساسات (فردی - جمعی) است که حول مفهوم حقیقت‌غایی سامان یافته است»^۱ و این تعریف که «دین به معنی اعتقاد به آفریننده‌ای برای جهان هستی و انسان و دستورات عملی متناسب با این عقاید می‌باشد»^۲ همچنین تبیین‌های مرحوم علامه طباطبایی در میان اندیشمندان اسلامی و سوئین برن از متکلمان غربی را نیز می‌توان از جمله تبیین‌های نوع سوم دانست.

مرحوم علامه طباطبایی؛ مفسر و فیلسوف بنام معاصر اسلامی در مورد دین می‌گوید: دین « نحوه‌ای از رفتاری اجتماعی است که در بردارنده صلاح دنیا در راستای کمالات اخروی و زندگی جاوید و حقیقی در نزد خداوند متعال است».^۳ سوئین برن در تبیین دین می‌گوید: از ویژگی‌های اساسی و حقیقی دین نجات بخش بودن دین است. این ویژگی در صورتی محقق می‌شود که دین بتواند اولاً: درک و فهمی ژرف از ماهیت عالم و جایگاه آدمی در آن ارایه دهد ثانياً: انسان را به شایسته‌ترین زندگی رهنمون سازد ثالثاً: فرصتی برای فراهم سازی عفو و بخشایش خداوند به خاطر کارهای ناصواب را تجویز کند و نهایتاً: این‌که این بهره‌وری تا زندگی سعادت‌مندانه اخروی ادامه یابد.^۴ روشن است که تعریف‌ها و تبیین‌های دسته سوم با یک جهان بینی الهی که هم دین بدان تاکید دارد و هم دلایل عقلی مؤید آن است کاملاً همخوانی دارد.

۱ مایکل پترسون و همکاران، «عقل و اعتقاد دینی» ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سطنانی، تهران طرح نو، چهارم ۱۳۸۴، ص ۱۸.

۲ محمد تقی مصباح یزدی، «آموزش عقاید» جلد ۱، نشر بین الملل، ص ۲۶.

۳ محمد حسین طباطبایی، «المیزان» جلد ۲، تهران دار الکتب الاسلامیه، سوم، ص ۱۴۳.

۴ چارلز تالیا فرو، «فلسفه ی دین در قرن بیستم» انشاء الله رحمتی، تهران سهروردی، ۱۳۸۲، ص ۶۷.